

چالش‌ها و راهکارهای تعیین نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران صمد عزیزنژاد*

تاریخ دریافت ۹۱/۴/۱۴ تاریخ پذیرش ۹۱/۷/۲۴

هدف اصلی این مقاله بررسی چالش‌ها و راهکارهای تعیین نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران است. برای انجام چنین هدفی با استفاده از دو روش میدانی و آمار توصیفی به برآورد نرخ سود برخی از بخش‌های واقعی اقتصاد اقدام شده است. هرچند این روش‌ها کامل نیست، اما راهنمای مهمی در اوضاع فعلی اقتصاد ایران به شمار می‌رود. نتایج به دست آمده بیانگر این واقعیت است که بانک مرکزی می‌تواند از دو سناریو استفاده کند. سناریوی اول اینکه بانک مرکزی فقط با تعیین نرخ سود مرجع به سپرده‌پذیری یا تسهیلات دهی به بانک‌ها اقدام کند. بانک‌ها نیز با توجه به ظرفیت‌های داخلی، اوضاع اقتصادی و کشش بازار، پیش‌بینی خود از میزان درآمد و درصد سودی که احتمالاً به سپرده‌گذاران مختلف پرداخت خواهند کرد را به تأیید حسابرس رسانده و بعد از آن نرخ سود سپرده و تسهیلات خود را اعلام کنند. سناریوی دوم نیز تعیین نرخ‌های سود براساس میانگین بازدهی سالانه برخی بخش‌های مهم اقتصادی طی یک دهه است که بانک مرکزی نرخ سود عقود مبادله‌ای میان‌مدت و بلندمدت و همچنین نرخ سود سپرده‌ها را برای سال‌های آتی متناسب با بازدهی مذکور در مقطع زمانی مشخص در نظر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: نرخ سود بانکی؛ بورس؛ بانک مرکزی؛ قوانین پولی و بانکی
طبقه‌بندی JEL: E43, E58

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه مفید، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
Email:Aziznejad.samad@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتادویک، پاییز ۱۳۹۱

مقدمه

یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی در سیاست‌گذاری، نرخ سود بانکی است. برخی از سیاست‌گذاران و متخصصان اقتصاد اسلامی به‌ویژه کارشناسان ایرانی معتقدند افزایش نرخ سود تسهیلات سبب افزایش هزینه‌های تولید و به تبع آن افزایش قیمت‌ها و تورم می‌شود (مهرگان، عزتی و اصغرپور، ۱۳۸۵: ۱).

نتایج مطالعات این محققان نشان می‌دهد که از لحاظ آماری رابطه علی یک‌طرفه از سوی نرخ سود به سمت نرخ تورم وجود دارد. عده‌ای از آنها در مطالعات خود درباره تأثیر تغییرات نرخ سود بر تورم (کهزادی و نوفرستی، ۱۳۸۴: ۲) و همچنین پس‌انداز (شجری، طیبی و گوگردچیان، ۱۳۸۴: ۱) نشان داده‌اند که این تغییرات بر تورم، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اثر ناچیزی دارد. وجود اختلاف نظرهای مختلف بیانگر این واقعیت است که بررسی این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱ تجربه تعیین نرخ سود بانکی در جهان

نحوه قیمت‌گذاری سود بانکی در کشورهای مختلف را می‌توان در برخی از مطالعات خارجی مشاهده کرد. موراس و تورک آریس (Morrouss and Turk Ariss, 2011: 7-8). مطالعاتی در کشورهای در حال توسعه و غیرتوسعه‌یافته انجام داده‌اند که براساس آن بانک‌ها در جذب سپرده مشتریان دارای قدرت انحصار چندجانبه در خرید^۱ هستند و اعتبار داخلی آنها را تأمین می‌کنند. نسبت اعتبار داخلی فراهم شده از سوی بانک‌ها به تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ حدود ۱۳۳ درصد و در دیگر کشورها حدود ۵۰ درصد بوده است. عملکرد بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به دو مورد ذیل بستگی دارد:

1. Oligopsonistic Power
2. Organization for Economic Corporation and Development (OECD)

۱. انحصار خرید چندجانبه در بازار سپرده‌ها،
۲. انحصار چندجانبه در بازار وام و تسهیلات.
در چنین نظام‌هایی (ربوی) می‌توان به سه عنصر اصلی در قیمت‌گذاری وام اشاره کرد:
الف) حق صرف ریسک^۱ که ارزش اعتباری قرض‌گیرندگان را منعکس می‌کند.
ب) استخراج منافع اجاره‌ناشی از عملیات نیروی بازاری مشترک^۲ در صنعت انحصار چندجانبه‌ای که انحصار خرید چندجانبه^۳ در آن حاکم است.
ج) حاشیه سود^۴ مربوط به هزینه‌های جذب و سرمایه‌گذاری سپرده‌ها که مطابق با کارایی واسطه‌گری مالی است.
بنابراین هم ساختار بازار و هم هزینه‌های جذب و توزیع سپرده‌ها از ویژگی‌های مهم تعیین قیمت وام و تسهیلات به‌شمار می‌رود. به‌طوری‌که هرچه بازار رقابتی‌تر باشد، نرخ بهره کاهش می‌یابد و برعکس. همچنین هرچه هزینه‌های جذب و تخصیص سپرده‌ها پایین باشد، نرخ بهره وام و تسهیلات کاهش می‌یابد (Ibid.: 13).
در مطالعه‌ای که ریپولو و سووارز انجام داده‌اند کفایت سرمایه مبتنی بر نرخ‌گذاری داخلی^۵ روشی برای قیمت‌گذاری وام و تسهیلات معرفی شده است (Repullo and Suarez, 2004: 1). براساس این مطالعه، بازار وام و تسهیلات رقابتی در نظر گرفته شده است و عامل ریسک همبستگی نکول قراردادهای بین شرکت‌ها را تشریح می‌کند. به این مفهوم که شرکت‌های با ریسک پایین براساس روش کمیته بال^۶ یا همان روش مبتنی بر نرخ‌گذاری داخلی، با نرخ‌های بهره پایین‌تر به تسهیلات درخواستی خود از بانک‌هایی که این روش را اعمال می‌کنند، دست می‌یابند. درحالی‌که شرکت‌های با ریسک بالا با استقراض از بانک‌هایی

1. Risk Premium
2. Joint Market Power
3. Oligopsonistic Oligopoly Industry
4. Mark-up
5. Internal Rating Based (IRB)
6. Basel 2

که نسبت به ریسک حساسیت زیادی ندارند، از پرداخت نرخ‌های بالای بهره اجتناب می‌کنند. براساس این مطالعه از آنجا که خالص درآمد بهره‌ای وام‌های جاری^۱، به‌عنوان ذخیره^۲ زیان‌های اعتباری محاسبه نمی‌شود، هزینه اجتماعی بسیار بالای ناشی از ورشکستگی بانک‌ها فقط ممکن است بتواند هزینه‌های سرمایه‌ای روش مبتنی بر نرخ‌گذاری داخلی را توجیه کند. از این رو اصلاح درآمد بهره‌ای خالص برای کفایت سرمایه مبتنی بر نرخ‌گذاری داخلی پیشنهاد شده است.

در مطالعه‌ای که لی و جیا انجام دادند بانک‌های تجاری چین براساس هزینه‌های اصلی فعالیت‌ها^۳ وام‌ها را قیمت‌گذاری می‌کردند (Li and Jia, 2008: 191-192). این روش که اوایل دهه ۱۹۸۰ معرفی شد و عمدتاً برای هزینه‌های تولید به کار می‌رود، مستلزم تقسیم‌بندی سیستم در قالب فعالیت‌های انفرادی و محاسبه هزینه‌های زمانی و منابع صرف شده روی هر فعالیت تولیدی است.

کل هزینه‌های مبتنی بر فعالیت از مجموع هزینه‌های مستقیم پرسنلی صرف شده روی وام $LC(j)$ ، هزینه‌های غیرمستقیم صرف شده روی وام $MC(j)$ و هزینه انباشته فعالیت j یعنی $C(j)$ به دست می‌آید؛ بنابراین کل هزینه‌های مبتنی بر فعالیت^۴ از روش ذیل محاسبه می‌شود:

$$TC = C(j) + MC(j) + LC(j)$$

همچنین قیمت‌گذاری وام با توجه به هزینه‌های مبتنی بر فعالیت و موارد ذیل تعیین می‌شود:

الف) تعدیلات ریسک که به پیش‌بینی زیان ناشی از وام مربوط است.

ب) تعدیلات مربوط به دوره که مبتنی بر بازپرداخت دوره وام است. هرچه دوره وام طولانی‌تر باشد، نرخ بهره وام بالاتر می‌رود.

ج) نتایج مطالعه نشان می‌دهد جبران ریسک زیان پیش‌بینی شده^۵ موجب کاهش

1. Performing Loan (PL)
2. Buffer
3. Activity Base Costing (ABC)
4. Total Cost (TC)
5. Anticipative Losing Risk Compensation

مستقیم ذخایر می‌شود و سود دوره جاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
با توجه به نتایج مطالعه حاضر بالا نرخ بهره وام و تسهیلات به روش ذیل استخراج می‌شود:
تعدیل مربوط به سایر عوامل مؤثر + تعدیل ریسک + تعدیل مربوط به مدت زمان + نرخ سود مورد انتظار + نرخ هزینه وام = نرخ بهره وام
نرخ هزینه وام نیز از تقسیم کل هزینه‌های مبتنی بر فعالیت به مقدار وام یا تسهیلات به دست می‌آید.

$$\text{نرخ هزینه وام} = \frac{\text{کل هزینه‌های مبتنی بر فعالیت}}{\text{مقدار کل وام}}$$

چنانچه از رابطه بالا مشاهده می‌شود عواملی نظیر هزینه وام، نرخ بهره مورد انتظار (بازدهی سایر بخش‌ها)، مدت زمان وام و ریسک در تعیین نرخ بهره در بانک‌داری ربوی مؤثرند که قیمت‌گذاری را مبتنی بر فعالیت انجام می‌دهد.
در مطالعه دیگری که در اتحادیه اروپا و برای کشور اتریش انجام شده است قیمت‌گذاری وام و تسهیلات براساس تعدیلات ریسک صورت می‌گیرد (Kroib, 2009: 1-3).
به عبارتی حاشیه سود وام بانکی مبتنی بر حداقل حاشیه تعدیل ریسک^۱ تعیین می‌شود.
حاشیه ریسک باید زیان‌های مورد انتظار و پیش‌بینی نشده را پوشش دهد که به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف) هزینه‌های استاندارد ریسک،

ب) هزینه‌های استاندارد حقوق صاحبان سهام^۲.
در این خصوص از درآمد ناخالص بانک مواردی نظیر هزینه‌های استاندارد بانک، هزینه‌های استاندارد ریسک و حقوق صاحبان سهام (مشتری و کشور)، هزینه‌های استاندارد نقدینگی، هزینه‌های شعب و بوجه‌ها و هزینه‌های سربار کسر می‌شود تا حاشیه ریسک

1. Risk Adjusted Minimum Margin (RAMM)
2. Equity

به دست آید که باید موارد ذیل به آن اضافه شود تا سقف قیمت^۱ وام تعیین شود:

۱. هزینه‌های فرصت (روش نرخ بازار)،
۲. هزینه‌های استاندارد ریسک (شهری و کشور)،
۳. هزینه‌های استاندارد حقوق صاحبان سهام (مشتری و کشور)،
۴. هزینه‌های استاندارد نقدینگی.

بعد از اینکه سقف قیمت وام تعیین شد، هزینه‌های ثابت به عنوان حاشیه سود به آن اضافه می‌شود تا حداقل حاشیه سود برای مشتری تعیین شود.

البته بانک‌های مرکزی دنیا نیز شیوه متفاوتی در تعیین نرخ بهره بانکی دارند. برای نمونه نگاهی به تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی نرخ بهره مرجع را تعیین و بانک‌ها هر یک به فراخور وضعیت خود، نرخ بهره سپرده و تسهیلات را تعیین می‌کنند (تجلی، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۱۴):

فدرال رزرو آمریکا^۲ که مرجعی برای تعیین نرخ بهره بین‌بانکی در این کشور است عمدتاً براساس دو عامل به تعیین نرخ بهره می‌پردازد: نرخ تورم و رشد اقتصادی. هدف اصلی این بانک افزایش رشد اقتصادی است. از این رو کاستن نرخ بهره و در نتیجه افزایش نرخ رشد اقتصادی همواره یکی از اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی این کشور است، اما از آنجا که کاهش نرخ بهره به افزایش نرخ تورم منجر می‌شود این بانک همواره «قید اجتناب‌ناپذیر» تورم را به عنوان عاملی بازدارنده در کاهش نرخ بهره پیش روی خود دارد. بیشتر کشورهای صنعتی با هدف گذاری نرخ تورم ۲ درصدی به تغییرات نرخ بهره مبادرت می‌کنند به این معنا که اگر نرخ تورم بیش از ۲ درصد نباشد کاهش نرخ بهره برای افزایش رشد اقتصادی محتمل خواهد بود اما در غیر این صورت چندان نباید انتظار کاهش نرخ بهره را داشت.

1. Price Floor

۲. بانک مرکزی آمریکا.

ثبات در اقتصاد ترکیه نیز با سازوکار بازار صورت پذیرفت، به طوری که در دوران ثبات‌سازی، نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت متناسب با تورم در بازار تعیین شد و چون نظام شناور ارزی حاکم بود، دولت در معکوس کردن جریان «دلاری شدن اقتصاد» موفق شد. بانک مرکزی ترکیه در اوایل سال ۲۰۰۶ سیاست نظام هدف‌گذاری نرخ تورم را پذیرفت. این بانک با تحقیقاتی که از سال ۲۰۰۵ شروع کرده بود، طی چهار مرحله (در سال ۲۰۰۶) گزارش تورم را انتشار داد که در آن پیش‌بینی نرخ تورم و سیاست‌های پیش‌رو اعلام شد. در سال اول، شوک‌های طرف عرضه باعث شد که بانک مرکزی نتواند به اهداف اعلام شده نرخ تورم دست یابد، و این بانک در نامه سرگشاده‌ای به دولت، علت انحراف از پیش‌بینی را اعلام و معیارهای لازم برای بازگرداندن نرخ تورم به دامنه پیش‌بینی شده را بیان کرد. بانک مرکزی ترکیه در راستای شیوه شفاف‌سازی، ارزیابی خود از وضعیت تورم و زمان‌بندی برگشت به نرخ تورم هدف‌گذاری شده را برای عموم اعلام نمود. این سیاست باعث قوت سیاست‌های پولی از یک سو و کنترل انتظارات تورمی از سوی دیگر شد. یکی از مسائل اصلی که در هدف‌گذاری نرخ تورم به آن پرداخته شد، سیاست پولی و مسیر نرخ بهره به منظور کنترل تورم بود. بانک مرکزی ترکیه سعی داشت مسیر نرخ بهره را در راستای دستیابی به تورم هدف‌گذاری شده، پیش‌بینی و اعلام کند. در واقع نرخ بهره در این سیستم به صورت دستوری تعیین نمی‌شود، بلکه براساس تورم هدف‌گذاری شده روند نرخ بهره پیش‌بینی و اعلام می‌شود. در مالزی نیز بانک‌ها به دو دسته اسلامی و سنتی تقسیم می‌شوند. بانک‌های اسلامی براساس عقود اسلامی به اخذ سپرده و اعطای تسهیلات اقدام می‌کنند. بانک مرکزی مالزی نیز صرفاً نرخ بهره مرجع را تعیین می‌کند و بانک‌ها در تعیین نرخ‌های خود آزادند. بر این اساس بانک‌های مرکزی کشورها، با ابزار نرخ بهره بسیار محتاط و دقیق برخورد می‌کنند و یکی از شاخص‌های مهم و کلیدی آنها برای هدایت اقتصاد به سمت اهداف تعیین شده به‌ویژه هدف‌گذاری^۱ تورم همین نرخ است. اما تعیین نرخ بهره در

اقتصادهای پیشرفته در بازار بین بانکی است و بانک‌ها به‌طور مستقیم براساس رقابت، نرخ‌های بهره را مشخص می‌کنند. بدیهی است رقابت بانک‌ها برای جذب مشتریان بهتر و کم‌ریسک‌تر باعث کاهش هرچه بیشتر نرخ سود تسهیلات و افزایش هرچه ممکن نرخ سود سپرده‌ها می‌شود و به‌این ترتیب اسپرد بانکی (حاشیه بین میانگین وزنی سود سپرده و تسهیلات) در این اقتصادها بسیار اندک است.

۲ مرجع تعیین نرخ سود بانکی در ایران

کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی این سؤال را در ذهن متبادر می‌کند که مرجع تعیین این نرخ کیست؟ با بررسی مستندات قانونی، آیین‌نامه‌ها و مصوبات دولت در زمینه مسائل پولی و بانکی برای پاسخ به این سؤال نتایج چشمگیری حاصل شد. براساس ماده (۲) آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی، مصوب ۱۳۶۲ (و اصلاحیه سال ۱۳۷۲) هیئت وزیران: «حداقل و حداکثر سود و یا بازده مورد انتظار و همچنین ضوابط تعیین سود و یا نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها، به تصویب شورای پول و اعتبار و تأیید رئیس‌جمهور خواهد رسید».

با توجه به مفاد این ماده نکات ذیل استنباط می‌شود:

- الف) تدوین ضوابط تعیین سود یا نرخ بازده مورد انتظار برای تسهیلات از وظایف شورای پول و اعتبار است. این شورا از ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.
- ب) ضوابط تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار باید به تأیید رئیس‌جمهور برسد.
- ج) مطابق آیین‌نامه اجرایی فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ هیئت وزیران و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۵ آن، وظیفه تعیین نسبت سهم سود تسهیلات برعهده بانک مرکزی است که باید به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی برسد.

۱. این مصوبه در ۱۳۶۲/۱۰/۱۴ با شماره ۸۸۶۲۰ براساس پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

۳ فرایند تعیین نرخ سود بانکی در ایران

براساس قانون بانکداری بدون ربا^۱ تعیین نرخ برای سپرده و تسهیلات در ابتدای قرارداد مجاز نیست از این رو بانک مرکزی عملاً با خلأ شاخص نرخ بهره مواجه است که برای حل این مشکل به تعیین نرخ‌های سود علی‌الحساب برای انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری براساس مدت و نرخ سود برای انواع تسهیلات و بخش‌های مختلف اقتصادی اقدام کرد. در این خصوص بانک مرکزی نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری را عملاً جایگزین نرخ بهره در اقتصاد کرده و با تعیین دستوری این نرخ (از طریق شورای پول و اعتبار) و اعلام کردن آن به بانک‌ها و وظایف شاخص نرخ بهره را عملی کرد. مباحث مربوط به حرمت ربا باعث شد پیاده‌سازی بازار پولی بین‌بانکی در کشور با تأخیر زیادی اجرایی شود و پس از اجرا نیز کارآمدی چندانی نداشته باشد. بدیهی است نرخ‌های مذکور قطعی نبوده و در پایان سال مالی براساس عملکرد هر بانک نرخ قطعی تعیین می‌شود.

در چند سال اخیر که بانک مرکزی شرایط و چگونگی سیاست‌های پولی نظام بانکی را از طریق بسته سیاستی - نظارتی ابلاغ می‌کند، نرخ سود عقود مبادله‌ای به صورت ثابت تعیین می‌شود. درباره عقود مشارکتی مقرر شده که سود علی‌الحساب و مورد انتظار در ابتدای دوره و بر مبنای سودآوری انتظاری هر پروژه برای پایان سال مالی فعالیت مورد نظر تعیین شود، این امر موجب شده است که هزینه تجهیز منابع بانک‌ها بیش از نرخ سود تعیین شده برای عقود مبادله‌ای باشد، بنابراین بانک‌ها با تغییر پرتفوی تسهیلات خود از عقود مبادله‌ای به عقود مشارکتی سعی خواهند کرد همچنان حاشیه سود تجهیز و تخصیص منابع را مثبت نگه دارند تا از این طریق برای سپرده‌گذار و صاحب سهم سودآوری داشته باشد. از آنجا که حسابداری پروژه در نظام اقتصادی برای بانک‌ها میسر نیست و عملاً تمرین مشارکت در عقود مشارکتی انجام نشده و بانک‌ها و مشتریان با آن مأنوس نیستند، عملاً عقود مشارکتی به سمت نرخ‌های از پیش تعیین شده سوق یافته و بانک‌ها نرخ‌هایی بالاتر از

۱. ماده (۲۱) قانون عملیات بانکی بدون ربا.

نرخ عقود مبادله‌ای (حدود ۱۶ درصد) حتی تا ۳۰ درصد اعمال کرده‌اند.

۴ نقش نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران

درباره آثار اقتصادی کاهش نرخ سود، نظریات متفاوت و متعددی ارائه شده است. بررسی آثار جامع و کلان اقتصادی این موضوع نیاز به یک طرح مطالعاتی منسجم دارد، اما در اینجا برخی آثار کاهش نرخ سود که در مطالعات مختلف محققان مطرح شده به اختصار ارائه می‌شود:

۱. در مطالعه‌ای که صمدی در خصوص الگوی مک کینون - شاو انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که پول و سرمایه فیزیکی مکمل هم بوده و اگر مسئولان پولی کشور سرکوب مالی را کنار گذارند، سطح سرمایه‌گذاری و پس‌انداز حقیقی افزایش می‌یابد و به بالا رفتن رشد اقتصادی منجر می‌شود (صمدی، ۱۳۷۸: ۱).

۲. کهزادی و نوفرستی در تحقیق خود با عنوان «بررسی اثر تغییرات نرخ سود بر تورم»، با استفاده از الگوهای بلندمدت و تصحیح خطا به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ سود تسهیلات بانکی در بلندمدت و کوتاه‌مدت تورم را به نحو معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی مقدار تأثیرگذاری آن بسیار اندک است، به طوری که به عنوان یک ابزار سیاستی برای کنترل و کاهش نرخ تورم پیشنهاد نمی‌شود (کهزادی و نوفرستی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۳. عده‌ای دیگر از محققان، آزادسازی نرخ سود و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران را از دو بعد حقوقی و اقتصادی مطالعه کرده‌اند. آنها از بعد حقوقی نتیجه گرفته‌اند که آزادسازی نرخ‌ها در ایران منافاتی با قانون عملیات بانکی بدون ربا نداشته و راهگشای مشکلات پیش روی بازار پولی کشور است. این محققان از بعد اقتصادی نیز نتایج ذیل را ارائه کرده‌اند:

الف) نرخ سود واقعی در معادلات سرمایه‌گذاری و رشد، رابطه مثبت دارد و بیانگر آن است که با افزایش نرخ سود واقعی در نظام بانکی کشور میزان سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد.

ب) اثر نرخ سود واقعی بر تابع رشد (تولید) مثبت است (خاوری، کشاورزبان پیوستی و عظیمی چنرق، ۱۳۸۴: ۱۰ و ۳۳).

۴. شجری، طیبی و گوگردچیان نیز تحلیل تجربی رابطه پس‌انداز و نرخ سود بانکی اقتصاد ایران را (در دوره ۱۳۸۰-۱۳۴۰) مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نرخ سود بانکی بر سرمایه‌گذاری تأثیر نمی‌گذارد بلکه اصلاح ساختار نظام پولی کشور هماهنگ با توسعه پایدار و باثبات در بخش حقیقی اقتصاد می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های بانکی باشد. نتیجه دیگر مطالعه این است که آزادسازی تدریجی نرخ سود بانکی و هدایت آن به سمت نرخ تعادلی می‌تواند در بهینه‌سازی نظام پولی کشور روش مناسبی باشد (شجری، طیبی و گوگردچیان، ۱۳۸۴: ۵).
۵. مهرگان، عزتی و اصغرپور در مطالعه خود با عنوان «بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم با استفاده از داده‌های تابلویی» نشان داده‌اند که از لحاظ آماری رابطه علی یک‌طرفه از سوی نرخ بهره به سمت نرخ تورم وجود دارد (مهرگان، عزتی و اصغرپور، ۱۳۸۵: ۱).
۶. بیدآباد نیز اثر کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بر اقتصاد ایران را مطالعه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که اجرای سیاست کاهش نرخ سود اثر مثبتی بر رشد اقتصادی از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی برجای می‌گذارد، همچنین با افزوده شدن مصرف بخش خصوصی موجب افزایش رفاه جامعه در اقتصاد ایران می‌شود، به‌علاوه کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، افزایش اشتغال را به همراه دارد (بیدآباد، ۱۳۸۳: ۲ و ۹).
۷. مطالعه دیگری نیز تقوی در خصوص رابطه نرخ سود بانکی و تولید در اقتصاد ایران انجام داده است. یکی از نتایج تحقیق این است که سرکوب مالی مانع از رشد بازارهای مالی (به‌خصوص بازار پولی) می‌شود (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۰ و ۷۰).
۸. کمیجانی و پوررستمی در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هم در اقتصادهای توسعه‌یافته و هم در اقتصادهای نوظهور نرخ‌های بهره حقیقی اثری معنادار و منفی بر رشد اقتصادی داشته است. با توجه به نتایج مطالعات یاد شده می‌توان گفت، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی باعث افزایش تولید و کاهش تورم می‌شود (کمیجانی و پوررستمی، ۱۳۸۷: ۱).

۵ تأثیر شیوه نرخ‌گذاری سود بانکی بر نظام بانکی ایران

برخی مطالعات نشان می‌دهد که شورای پول و اعتبار با تعیین نرخ ثابت سود برای تسهیلات، موجب فاصله گرفتن، بانک‌ها از مشارکت واقعی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری براساس درآمد مورد انتظار و مخاطرات آنها می‌شود و در نتیجه کارایی بانکداری اسلامی کاهش می‌یابد. همچنین پایین نگه داشتن نرخ سود نسبی تسهیلات برای سرمایه‌گذاری‌های پرمخاطره به بروز افزایش تقاضای مازاد برای دریافت این‌گونه تسهیلات منجر می‌شود. پاسخ‌گویی بانک به این تقاضاها باعث ازدست‌رفتن بخشی از حقوق سپرده‌گذاران و در برخی موارد بالا رفتن فساد در حوزه بانکی می‌شود (سلامتی و بهمنی، ۱۳۸۵: ۵-۴).

۶ راهکارهای جدید برای نحوه تعیین نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران

با بررسی نحوه تعیین نرخ سود بانکی دو سناریوی متفاوت بیان می‌شود که در این قسمت به آنها می‌پردازیم.

۶-۱ سناریوی بیلان سود و زیان بانک‌ها برای سال آتی

در حال حاضر نظام تعیین نرخ سود در کشور دچار دوگانگی است. از یک سو براساس قانون بانکداری بدون ربا و تعالیم اسلامی، نرخ از پیش تعیین شده برای سپرده و تسهیلات ممنوع است و از سوی دیگر این نرخ‌ها به‌طور علی‌الحساب تعیین می‌شوند و حداقل آن است که تاکنون نرخ سود قطعی پرداختی به سپرده‌گذار در بانک‌ها از نرخ علی‌الحساب آن کمتر نبوده است. نکته مهم‌تر آنکه به‌رغم تعیین نرخ علی‌الحساب در نظام بانکی، بازار پولی بین‌بانکی کارآمد وجود نداشته و بانک مرکزی مجبور است سیاست‌های پولی خود را با تعیین نرخ برای بانک‌ها اعمال کند.

ابتدای هر سال بانک‌های حاضر در بورس دیگر سایر شرکت‌های بورسی، بودجه خود را به بورس عرضه می‌کنند و با توجه به وضعیت اقتصادی و توانمندی خود، سود مورد انتظار در سال پیش رو را در بودجه پیش‌بینی و اعلام می‌کنند. این سودهای اعلامی

هر سه ماه یک‌بار مورد بازنگری قرار می‌گیرد و به عموم عرضه می‌شود. در صورتی که بانکی یا شرکتی تغییر محسوسی در خارج از فواصل سه‌ماهه در سود و زیان داشته باشد موظف است سریعاً آن را به بورس اعلام کند. با توجه به اینکه سازوکار بانکداری اسلامی بیشتر بر مبنای تسهیم ریسک و سود و زیان میان بانک و مشتری است، سازوکار تعیین نرخ‌های سود می‌تواند بر اساس همین روش باشد.

از این رو پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی صرفاً نرخ سود مرجع را تعیین کند که همان نرخ سپرده‌پذیری یا تسهیلات‌دهی به بانک‌هاست. بانک‌ها نیز با توجه به ظرفیت‌های داخلی و اوضاع اقتصادی و کشش بازار پیش‌بینی خود از میزان درآمد و درصد سودی که احتمالاً به سپرده‌گذاران می‌توانند پرداخت کنند را پس از تأیید حسابرس به عنوان نرخ‌های سود هر بانک در نظر بگیرند. در صورتی که بانکی قصد تغییر پیش‌بینی‌های خود را داشته باشد با اعلام قبلی و تأیید حسابرس و بانک مرکزی این مهم امکان‌پذیر است. این شیوه با الگوهای اقتصاد اسلامی همخوانی داشته و نظام بانکی و اقتصادی کشور را به سمت اسلامی شدن همراه با کارایی بالا سوق می‌دهد.

در این روش، بانک‌ها بر اساس ملاک‌های نظارتی از جمله کفایت سرمایه اقدام به تجهیز منابع از بازار بین‌بانکی یا سپرده‌های مردمی می‌کرده و بر اساس آن تسهیلات می‌پردازند. هر بانک نرخ‌های علی‌الحساب سپرده را یا با توجه به توان خود در ایجاد منافع برای سپرده‌گذاران اعلام می‌کند یا به‌طور کلی از اعلام اجتناب کرده و در پایان سال بر اساس عملکرد واقعی، سود قطعی را می‌پردازد. بدیهی است در این حالت سپرده‌گذاران بر اساس روند سودهای قطعی سال‌های گذشته هر بانک به سپرده‌گذاری در آن بانک اقدام می‌کنند و بدین ترتیب رقابت میان بانک‌ها باعث افزایش کارایی مجموعه نظام بانکی می‌شود.

از سویی در بخش تسهیلات، بانک‌ها در عقود مبادله‌ای حسب ریسک مشتری نرخ سود را تعیین و در عقود مشارکتی نیز در پروژه‌های بزرگ مشارکت داشته و بر اساس حسابداری پروژه، سود آن را محاسبه می‌کنند. به این ترتیب نظام بانکی خود را اصلاح و

مجدداً سهم عقود مبادله‌ای را افزایش می‌دهند که شیوه آسان‌تری برای تأمین مالی و نظارت است. مهم‌تر آنکه ابزار نرخ سود نیز در نظام اقتصاد اسلامی کارکرد خود را بازیافته و بانک مرکزی به اعمال سیاست‌گذاری پولی کارآمد قادر خواهد بود. در این حالت، بانک‌ها بر مبنای تقاضای بازار و ریسک مشتری و بازده پروژه، نرخ سود تسهیلات را تعیین و یا در پایان دوره دریافت می‌دارند و در میان‌مدت نرخ‌ها به سمت نرخ تعادلی حرکت کرده و بازار پول تسویه می‌شود. به عبارت دیگر طرف عرضه و وجه طرف تقاضای وجوه را پاسخ می‌دهد. این روند منشأ دستیابی به روند پایدار اقتصادی به‌ویژه در کنترل تورم خواهد بود. بدیهی است در چنین نظامی سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌ها و صنایع خاص می‌تواند از طریق بانک‌های توسعه‌ای و یا یارانه مستقیم از سوی بانک‌های دولتی انجام شود.

۶-۲ سناریوی تعیین نرخ سود بانکی براساس بازدهی بخش واقعی اقتصاد

روش دیگر برای تعیین نرخ سود بانکی که عادلانه‌تر از سناریوی اول است، براساس بازدهی بخش‌های واقعی اقتصاد است. در این مطالعه بازدهی متوسط سالانه بخش‌های مختلف به شرح ذیل محاسبه شده است:

۱. شاخص اجاره مسکن،
۲. نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی،
۳. نرخ نسیه یا فروش اقساطی کالا در بازار،
۴. متوسط بازده بورس،
۵. ودیعه یا رهن مسکن،
۶. رشد نرخ ارز.

۶-۲-۱ شاخص اجاره مسکن

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ شاخص اجاره مسکن براساس

چالش‌ها و راهکارهای تعیین نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران ۱۹۵

قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ به طور متوسط سالانه ۱۸/۵ درصد رشد داشته است.

جدول ۱ رشد شاخص اجاره مسکن (۱۳۸۳=۱۰۰)

سال	شاخص	رشد (درصد)
۱۳۸۰	۵۷/۲	-
۱۳۸۱	۶۸/۷	۲۰/۱
۱۳۸۲	۸۲	۱۹/۳
۱۳۸۳	۱۰۰	۲۲
۱۳۸۴	۱۱۱/۶	۱۱/۶
۱۳۸۵	۱۲۶/۹	۱۳/۷
۱۳۸۶	۱۵۳/۸	۲۱/۲
۱۳۸۷	۱۹۶/۷	۲۷/۹
۱۳۸۸	۲۲۰/۶	۱۲/۲
برآورد ۱۳۸۹	۲۶۲/۷	۱۹/۱
میانگین رشد		۱۸/۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارش اقتصادی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۶، بخش مسکن و ساختمان؛ نماگرهای اقتصادی، سه‌ماهه سوم سال ۱۳۸۹، شاخص‌های قیمت.

۲-۲-۶ نرخ جریمه بانک مرکزی

بانک مرکزی در سال‌های اخیر با استناد به موارد ذیل نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌ها را تعیین کرده است:

۱. جزء اول تبصره «۱» ماده (۷) بسته سیاستی - نظارتی سال ۱۳۸۷ نرخ جریمه مذکور معادل ۳۴ درصد تعیین شده است.

۲. بند «۱۰» ماده (۱۲) بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹ نرخ جریمه مذکور مجدداً معادل ۳۴ درصد تعیین شده است.

بنابراین مشاهده می‌شود نرخ نسبی بین بانکی حدود ۳۴ درصد است.

۶-۲-۳ نرخ نسبی در بازار

با توجه به مطالعه میدانی که در بازار کالاهایی نظیر لوازم برقی و خانگی تهران انجام شد نرخ ماهانه فروش نسبی کالا در دامنه ۱/۵ تا ۳ درصد بود (حدود سیصد مغازه در خیابان جمهوری، بازار بزرگ تهران و خیابان امین حضور) که میانگین حسابی آن حدود ۲/۲۵ درصد و سالانه آن معادل ۳۱/۵ درصد می‌شود.

۶-۲-۴ میانگین سالانه بازده بورس

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازده بورس اوراق بهادار در اولین روز کاری سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ و براساس میانگین وزنی حدود ۲۸/۴ درصد محاسبه شده است.

جدول ۲. بازده بورس و رشد آن طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰

سال	میزان بازده	رشد (درصد)
۱۳۸۱	۳۷۶۹	-
۱۳۸۲	۵۰۸۱	۳۵
۱۳۸۳	۱۱۴۴۶	۱۲۵
۱۳۸۴	۱۲۱۴۲	۶
۱۳۸۵	۹۴۷۳	-۲۲
۱۳۸۶	۹۸۳۷	۴
۱۳۸۷	۱۰۰۸۷	۳
۱۳۸۸	۷۹۶۶	-۲۱
۱۳۸۹	۱۲۶۱۴	۵۸
۱۳۹۰	۲۳۷۵۶	۸۸
میانگین وزنی رشد (درصد)	-	۲۸/۴

Source: tsi.ir

۶-۲-۵ ودیعه یا رهن مسکن

براساس مطالعه میدانی که از حدود صد بنگاه املاک در مرکز، شمال و شمال غرب تهران صورت گرفت، به ازای هر ۱۰ میلیون ریال پول رهن مسکن، ۳۰۰ هزار ریال اجاره محاسبه می‌شود که نرخ ماهانه آن ۳ درصد و نرخ سالانه آن ۳۶ درصد محاسبه شده است. این نرخ بیش از پانزده سال است که ثابت بوده و معیاری برای رهن و اجاره مسکن محسوب می‌شود.

۶-۳ نتیجه سناریوی دوم

براساس این مطالعات، میانگین نرخ سود بانکی در بخش‌های مختلف به ترتیب ۱۸/۵، ۲۸/۴، ۳۴، ۳۱/۵ و ۳۶ درصد محاسبه شده است که میانگین هندسی آن حدود ۲۹ درصد محاسبه می‌شود. با توجه به تورم ۲۱/۵ درصدی سال ۱۳۹۰ و پیش‌بینی نرخ بالاتر از آن برای سال ۱۳۹۱، پیشنهاد می‌شود نرخ سود عقود مبادله‌ای میان‌مدت و بلندمدت برای سال‌های بعد از سال ۱۳۹۱ در دامنه‌ای معقول و با توجه به بازدهی بخش‌های واقعی اقتصاد تعیین شود.

۷ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس تحلیل‌های انجام شده نرخ سود تسهیلات بانکی یکی از متغیرهای کلیدی اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود که توجه به نحوه تعیین آن ضروری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، کاهش نرخ سود بانکی در سال ۱۳۹۰ متناسب با بازدهی یا رشد متوسط سالانه متغیرهای واقعی اقتصاد نبوده است. شاید یکی از دلایل هدایت نقدینگی از بانک‌ها به سمت بازارهای موازی و افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها همین امر باشد؛ زیرا وقتی نرخ سود واقعی منفی باشد، اولاً، سپرده‌گذاری انجام نمی‌شود، ثانیاً، بدهکاران بدهی خود را نمی‌پردازند. از این رو موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. بانک مرکزی فقط نرخ سود مرجع را تعیین کند و بانک‌ها نیز با توجه به ظرفیت‌های داخلی و اوضاع اقتصادی و کشش بازار، پیش‌بینی خود از میزان درآمد و

درصد سودی که احتمالاً به سپرده گذاران مختلف می‌توانند پرداخت کنند را به تأیید حسابرس برسانند و بعد از آن نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات خود را اعلام کنند.

البته باید به موارد زیر توجه کرد:

- ۱-۱. رابطه نرخ سود مرجع با سود اوراق مشارکت بیش از یک سال تعریف شود.
- ۱-۲. نرخ سود مرجع سالانه ابلاغ نشود بلکه نرخ سود اعلامی تا اطلاع ثانوی و حتی‌المقدور دو یا سه سال یک بار تغییر کند تا ثبات نسبی در اقتصاد را به بخش حقیقی القا کند و سرمایه گذاران بتوانند قدرت پیش‌بینی داشته باشند.
- ۱-۳. ارتباط معناداری میان نرخ جریمه بانک مرکزی برای برداشت‌های اضافی بانک‌ها با نرخ مرجع وجود داشته باشد.
۲. نرخ سود عقود مبادله‌ای میان‌مدت و بلندمدت برای سال‌های آتی براساس میانگین بازدهی بخش‌های مختلف اقتصادی تعیین شود و سپرده‌ها نیز متناسب با آن نرخ گذاری شوند. در این باره اقدامات ذیل از سوی بانک مرکزی ضروری است:
 - ۲-۱. واحد نظارت و محاسبه نرخ سود بانکی براساس بخش‌های واقعی اقتصاد در بانک مرکزی به صورت آن‌لاین و الکترونیکی فعال شود.
 - ۲-۲. برای هم‌گرایی نرخ سود در بخش‌های حقیقی اقتصاد، سیاست‌های مالیاتی مناسب اتخاذ شود که تسهیلات به سمت بخش‌های با سوددهی بیشتر نظیر بازرگانی کمتر سوق پیدا کند.
 - ۲-۳. نظارت آن‌لاین و الکترونیکی بانک مرکزی بر واقعی بودن قراردادهای بانکی با اشخاص حقیقی و حقوقی باید جدی و دقیق اعمال شود تا تسهیلات از یک بخش به صورت پنهانی به بخش دیگر نرود و شفافیت اطلاعاتی حاکم باشد.

منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، سه‌ماهه سوم سال ۱۳۸۹.
۳. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۳). اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر اقتصاد ایران، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴. تجلی، سیدآیت‌اله (۱۳۸۹). آثار کاهش نرخ سود بانکی بر تورم، اشتغال و سرمایه‌گذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. تقوی، مهدی (۱۳۸۷). رابطه نرخ سود بانکی و تولید در اقتصاد ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. خاوری، محمودرضا، اکبر کشاورزبان پیوستی و علی عظیمی چنرق (۱۳۸۴). «آزادسازی نرخ سود و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران»، تهران، بانک سپه.
۷. سلامی، حبیب‌اله و علی بهمنی (۱۳۸۴). «اثر تعیین نرخ سود بانکی بر بانکداری اسلامی براساس نظریه پرتفوی»، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۸. شجری، هوشنگ، سیدکامیل طیبی و احمد گوگردچیان (۱۳۸۴). «تحلیل تجربی رابطه پس‌انداز و نرخ سود بانکی، مطالعه موردی اقتصاد ایران (۱۳۸۰-۱۳۴۰)»، نشریه علمی - تخصصی تازه‌های اقتصادی، ش ۱۰۸.
۹. صمدی، علی حسین (۱۳۷۸). «سرکوب مالی و رشد اقتصادی در ایران: ارزیابی الگوی مک کینون - شاو»، مجله برنامه و بودجه، ش ۴۳ و ۴۴، تهران.
۱۰. کامیجانی، اکبر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۷). «تأثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی: مقایسه اقتصادهای کمتر توسعه یافته و نوظهور»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دوازدهم، ش ۳۷.
۱۱. کهزادی، نوروز و ابوالفضل نوفرستی (۱۳۸۴). «بررسی اثر تغییرات نرخ بهره بر تورم»، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۳۱۴ / ه.
۱۲. قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا)، مصوب ۱۳۸۵/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی.

۱۳. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). مجموعه مصوبات دولت در زمینه مسائل پولی و بانکی و سایر مصوبات مربوط از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۷۰، تهران، ج ۲، مصوبه شماره ۸۸۶۲۰ هیئت وزیران.

۱۴. مهرگان، نادر، مرتضی عزتی و حسین اصغری‌پور (۱۳۸۵). «بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم: با استفاده از داده‌های تابلویی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، ش ۳.

15. Kroib, Susanne (2009). *Risk Adjusted Loan Pricing in a Commercial Bank*, Eurobanking, Austria.
16. Li Su, Hao and Ri Ding Jia (2008). *The Research on Loan Pricing of Commercial Bank, Based on Activity-Base Costing*, School of Management, University of Mining and Technology, P.R. China.
17. Morrous Ch., Walid and Rima Turk Ariss (2011). *Bank Loan Pricing Under Oligopsonistic Oligopoly: Evidence from 126 Developing Countries*, BOFIT Sminar, Lebanese American University.
18. Repullo, Refael and Javier Suarez (2004). *Loan Pricing Under Basel Capital Requirements*, CEMFI, Spain, Madrid.
19. www.tsi.ir.